یادداشت روز

رمز انتقال از قدرت منطقه‌ای به قدرت بین‌المللی

در تعریف قدیمی - کلاسیک- از «قدرت منطقه‌ای» گفته می‌شد قدرت بین‌الملل یک واحد معین فعال است که به طور یکپارچه و در همه حوزه‌های بین‌المللی عمل می‌کند و از این رو قدرت‌های منطقه‌ای در تعریف قدرت‌های بین‌المللی و در ارتباط سیستمی و ارگانیک با آن شکل می‌گیرند. این تعریف براساس نگرش غالب در دو قرن گذشته یعنی نگرش «مرکز پیرامون» در علوم سیاسی مطرح بود و در دانشگاه‌های ما هم از حدود ۱۰۰ سال به این طرف تدریس می‌شد و متاسفانه الان هم در رشته‌های علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و میان رشته‌های مرتبط با این دو تدریس می‌شود و بعضی از اساتید به گونه‌ای از آن سخن می‌گویند که گویا این اندیشه‌ای بدیهی و عقلی و تخلف‌ناپذیر است!

این در حالی است که از نظر تجربی تقریبا هیچگاه چنین نبوده، که دنیا بطور کامل در سیطره قدرت یا قدرت‌های بین‌المللی قرار گرفته و هیچ ملت یا کشوری خارج از سیطره قدرت‌های بین‌المللی نباشد. بالاخره در یک مقطعی چین، در یک مقطعی هند، در یک مقطعی مصر و بعضی دیگر از کشورهای آفریقایی، در یک مقطعی اندونزی و در یک مقطعی ایران در عین اینکه قدرت منطقه‌ای بوده‌اند اما در ارتباط با قدرت‌های شناخته شده بین‌المللی هم عمل نمی‌کرده‌اند. پس این نظریه که قدرت منطقه‌ای فقط در صورتی شکل می‌گیرد که در قاعده قدرت بین‌الملل قرار داشته باشد، از نظر تجربی درست نیست.

از منظر عملی باید گفت هر قدرت بین‌المللی پیش از آنکه قدرت بین‌المللی بشود، قدرت منطقه‌ای مستقلی بوده و در وقت خود از لاک قدرت منطقه‌ای، خارج و به قدرت بین‌المللی تبدیل گردیده است. اتفاقا در آن وقت که یک قدرت منطقه‌ای بوده، سیاست انزواگرایانه‌ای نسبت به قدرت‌های بین‌المللی داشته و حتی در کمین قدرت‌های بین‌المللی برای فایق آمدن بر آنها نشسته و موقعیت‌های قدرت بین‌الملل را یکی-یکی به دست آورده است. با مرور وضعیت آمریکا، چین و روسیه می‌توان این را به خوبی نشان داد. همه دانشجویان علوم سیاسی می‌دانند که سیاست آمریکا تا پیش از جنگ دوم جهانی براساس نظریه «مونروئه»«انزواگرایی» بود. مونروئه خطاب به قدرت‌های اروپایی می‌گفت به ما کاری نداشته باشید، همانطور که ما به شما کاری نداریم.

این نسخه در مورد ایران هم صدق می‌کند یعنی زمانی که ایران تصمیم گرفت - براساس برنامه ۲۰ ساله- تا سال ۱۴۰۴ قدرت برتر منطقه غرب آسیا شود که امروز شده است، نه تنها در چارچوب قدرت‌های شناخته شده بین‌المللی قرار نداشت بلکه در نقطه مقابل آنان بود. شعار و به تعبیر بهتر سیاست «نه شرقی نه غربی» که اساس فلسفه سیاست خارجی ایران است، بر این اساس می‌باشد. البته ایران در مواجهه با قدرت‌های بین‌المللی از روش آمریکا، چین و روسیه تبعیت نکرده و انزواگرایی را برنگزیده است هر چند قدرت‌های جهانی در طول این ۴۰ سال تلاش کرده‌اند تا ایران را منزوی کنند اما انزواگرایی هیچگاه انتخاب رهبری انقلاب و نظام ایران نبوده است و واقعا هم ما هیچگاه منزوی نبوده‌ایم.

ایران اگر بخواهد به قدرت بین‌الملل تبدیل شود که این حق هر کشوری با مختصات ایران است، باید بر استقلال خود در مقطع «قدرت برتر منطقه‌ای» و تمایزش با قدرت‌های شناخته شده بین‌المللی پافشاری کند و بعضی از سختی‌های ناشی از انتقال از قدرت منطقه‌ای به قدرت بین‌المللی را تحمل کند و صبر را از کف ننهد.

بعضی گمان کرده‌اند که لازمه انتقال از جایگاه «قدرت منطقه‌ای» به «قدرت بین‌المللی»، عبور کشور از همه مشکلات داخلی است به عبارت دیگر بعضی گمان کرده‌اند که قدرت‌های بین‌المللی منظومه‌ای از توانمندی در همه حوزه‌ها هستند و هر کشور منطقه‌ای هم که بخواهد به این جایگاه منتقل شود باید منظومه‌ای از توانمندی‌ها در همه حوزه‌ها بشود وگرنه باید به جایگاه خود در حد قدرت ملی و یا حداکثر در حد قدرت منطقه‌ای قانع باشد و در سیاست بین‌الملل از قدرت‌های بین‌المللی تبعیت نماید.

تردیدی در این نیست که کشور ما و هر کشور دیگری که می‌خواهد «قدرتمند» باشد باید تلاش خود را معطوف به پیشرفت در همه ابعاد قدرت نماید. کما اینکه در جمهوری اسلامی ایران، از ابتدا چنین تلاش منظومه‌ای مدنظر بوده و دنبال شده و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی هم بر همین اساس تنظیم شده و قدرت را به شکل «منظومه‌ای» مدنظر قرار داده است. اینجا سخن در این است که آیا پیشرفت در همه ابعاد قدرت، لازمه تبدیل شدن به قدرت بین‌المللی است یا نه؟ در اینجا ما وقتی سراغ تجربه بین‌المللی می‌رویم درمی‌یابیم که اینطور نبوده است و کم نبودند قدرت‌های بین‌المللی که در بسیاری از ابعاد قدرت در حد یک قدرت ملی و یا حداکثر در حد یک قدرت منطقه‌ای بوده و در عین حال به قدرت بین‌المللی تبدیل شده‌اند. یک نمونه آن شوروی در زمانی که به عنوان یک ابرقدرت مقتدر شناخته می‌شد و روسیه فعلی است. شوروی در فاصله سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ قدرتی هم عرض آمریکا بود، بدون آنکه در اقتصاد، تکنولوژی و درآمد سرانه و چندین شاخص مهم مثل بهداشت و درمان در ردیف آمریکا باشد در این نزدیک به پنج دهه، شوروی به اندازه آمریکا در تحولات بین‌المللی موثر بود و توانست بسیاری از برنامه‌های آمریکا و بلوک غرب را خنثی نماید. روزی هم که شوروی فروپاشید به خاطر ضعف آن در اقتصاد و ... نبود بلکه دو عامل ضعف ایدئولوژی و آرمان و ضعف رهبران سبب فروپاشی شوروی گردید. حضرت امام رضوان‌الله تعالی علیه در نامه ای که در سال ۱۳۶۷ به رهبر وقت شوروی نوشتند بر این نکته تاکید کردند که مشکل کشور شما- برخلاف تبلیغات غرب - اقتصاد نیست، ایدئولوژی مادی‌گرایانه شماست که غرب هم به نوعی دیگر به آن مبتلاست و به همین دلیل دچار فروپاشی می‌شود. یک نمونه دیگر آن آمریکاست. آمریکا البته به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران علوم سیاسی -از جمله برژینسکی- دیگر ابرقدرت نیست و این قلم در همین ستون، چهار دلیل را برای اسقاط آمریکا از موقعیت ابرقدرتی بیان کرد. همین آمریکا در دوره‌ای که آن را به عنوان ابرقدرت می‌شناختند در بسیاری از شاخص‌ها از جمله اقتصاد در موقعیت برتر قرار نداشت و بحران مالی دهه اول قرن ۲۱ که اروپا و آمریکا یعنی بلوک «سرمایه‌داری» را تحت تاثیر جدی خود قرار داد این را به خوبی نشان داد. کما اینکه شکست ارتش آمریکا در جنگ‌های افغانستان و عراق برتری نظامی آمریکا را نیز مخدوش نمود. خب آمریکا با همه این ضعف‌هایش در دوره‌ای ابرقدرت به حساب می‌آمد.

امروز بعضی از دستگاه‌های جمهوری اسلامی، راه‌حل کشور برای برون‌رفت از بعضی از مشکلات را در انطباق ایران با قدرت‌های بین‌المللی می‌دانند و این را با زبان‌های مختلف بیان می‌کنند و البته نوعا هم نادانسته یا دانسته، تعریفی از مصادیقی ارائه می‌کنند که واقعیت در نقطه مقابل آن قرار دارد. به عنوان مثال آقای هاشمی رفسنجانی راز پیشرفت آلمان و ژاپن را در دست شستن از قدرت دفاعی و پیوند زدن نیازهای دفاعی خود به آمریکا معرفی و در لفافه توصیه کرد که ما هم برای تبدیل شدن به قدرت باید قدرت خود را در قاعده قدرت آمریکا تعریف نمائیم در واقع در گزاره‌های آقای هاشمی، واقعیت‌ها نادیده گرفته شدند یعنی در حالی که اگر همین الان ژاپنی‌ها و آلمانی‌ها را آزاد می‌گذاشتند بلافاصله به سمت دستیابی به یک ارتش مقتدر مجهز رفته و ضعف نظامی- امنیتی خود را جبران می‌کردند، وانمود شد که این دو کشور داوطلبانه از توان نظامی چشم پوشیدند تا به توان اقتصادی و «مقبولیت بین‌المللی» رسیدند.

در همین رابطه بعضی از خواص که موقعیت‌های مهمی هم در بعضی از دستگاه‌های مسئول کشور دارند، می‌گویند ما بدون پیوستن به برنامه منطقه‌ای آمریکا، نمی‌توانیم سیاست منطقه‌ای خود را پیش ببریم. البته ادبیاتی که در این رابطه به کار می‌برند به گونه‌ای است که گویا مثلا آمریکایی‌ها می‌خواهند که با ما در موضوع سوریه به یک «توافق شرافتمندانه» برسند اما ما با درک غلط از توانایی مستقل منطقه‌ای خود، حاضر به گفت‌وگو با آمریکا نیستیم و دست آخر هم نمی‌توانیم پرونده سوریه را به سرانجامی مناسب برسانیم. این در حالی است که به شهادت نقض مکرر توافقات آمریکا و روسیه در پرونده سوریه که آخرین مورد آن در نقض آتش‌بس از سوی آمریکا در ماجرای حمله چهار جنگنده این کشور به نیروهای ارتش سوریه در استان‌شرقی دیرالزور است، حضور در بازی بزرگان! نتیجه‌بخش نیست. آمریکایی‌ها دنبال توافق نیستند چه رسد به اینکه زیربار جلب نظر ایران باشند. حالا بگذریم از اینکه ما اساسا اجازه نداریم درباره سرنوشت یک ملت تصمیم بگیریم و زمینه تجزیه کشوری را فراهم کنیم. این خواص کم و بیش با صراحت می‌گویند ما وقتی در بازی بزرگان نیستیم - که منظورشان مذاکرات آمریکا و روسیه درباره سوریه است - نمی‌توانیم در میدان کار را تمام کنیم.

این روزها این عبارت که «سوریه فقط راه‌حل سیاسی دارد» از دهان بعضی از دست‌اندرکاران نمی‌افتد و منظورشان هم این است که جهاد و مجاهدت در راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی سوریه تا جایی ارزش دارد که پشتوانه یک توافق سیاسی بین دشمنان جبهه مقاومت و جبهه مقاومت باشد!

تمنای شرکت در «بازی بزرگان» در واقع به این انگاره نادرست استوار است که نظم جهانی بهم پیوسته است و نظم منطقه‌ای مغایر با نظام شناخته شده جهانی معنا و مفهومی ندارد و نوعی آرمان‌گرایی پوچ است. این در حالی است که آمریکا هرگز ما را در «بازی» به طور واقعی راه نمی‌دهد کما اینکه به هیچ‌وجه زیر بار تبدیل ایران به یک قدرت هسته‌ای نرفت و همین دو روز پیش آقای جوزف بایدن معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا، وقتی می‌خواست مهمترین دستاورد خارجی اوباما را بعد از هشت سال ریاست‌جمهوری بیان کند، با افتخار گفت: «نتانیاهو و مسئولین عربستان هم می‌دانند که اوباما موفق شد نه تنها ایران را در هسته‌ای متوقف کند بلکه موفق شد برنامه هسته‌ای این کشور را سالها به عقب برگرداند.»

سعدالله زارعی

ظریف هم به حرف منتقدان رسید

آمریکا برای عمل به تعهداتش هیچ تلاشی نکرده است

سرویس سیاسی-

ظریف در اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا می‌گوید که «آمریکا هیچ تلاشی برای اجرای تعهدات برجام نداشته است» چرا که از روز اجرای توافق برجام بیش از هشت ماه می‌گذرد و هنوز از جانب آمریکا میلی به اجرای تعهداتش دیده نمی‌شود و روحانی در سفر به نیویورک از آمریکایی‌ها قول! عمل به تعهداتشان را می‌گیرد، تعهداتی که بر روی کاغذ امضا شد و به آن عمل نشد.

محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان روز جمعه در جمع اعضای اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا گفت: «ایران به تعهدات هسته‌ای خود پایبند بوده اما شاهد هیچگونه تلاش واقعی از سوی مقام‌های کاخ سفید در این رابطه نبوده‌ایم.»

ظریف با اشاره به موضوع برجام و پایبندی و احترام آمریکا به مفاد این توافقنامه گفت: «با توجه به تاریخ پیچیده روابط میان ایران و آمریکا آنچه که ایران از ابتدا هوشمندانه سعی کرد بر آن متمرکز باشد این بود که این مذاکرات صرفا موضوع برنامه‌های هسته‌ای ایران را در بر گیرد و نه هیچ موضوع دیگری را چرا که می‌دانست اگر وارد همه موارد اختلاف بشود درگیر بحث و جریان گفت‌وگویی می‌شد که می‌توانست تا ابد بدون نتیجه ادامه پیدا کند.»

وی در ادامه افزود: «به همین دلیل بود که موضوع برنامه هسته‌ای ایران تنها محور گفت‌وگوهای دوساله هسته‌ای بود اما اشتباهی که خیلی‌ها در آمریکا مرتکب می‌شوند این است که از این مذاکرات انتظار حل همه اختلاف‌ها و مشکلات میان دو کشور را داشته‌اند و همین موجب پیچیدگی‌هایی در این رابطه شده است.»

راستی‌آزمایی یک‌طرفه!

محمدجواد ظریف در ادامه گفت: «آنچه که از ایران به عنوان یک طرف این توافقنامه انتظار می‌رود پایبندی به تعهدات هسته‌ای خود در چهارچوب این توافقنامه و راستی‌آزمایی این پایبندی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای است که این راستی‌آزمایی‌ها صورت گرفته و آژانس به طور مکرر بر پایبندی ایران صحه گذاشته است.»

وی در ادامه افزود: «اما در مورد آمریکا به عنوان یکی از طرف‌های دیگر برجام این تلاش تاکنون تقریبا از امضای پای اسناد این توافقنامه ازسوی رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه این کشور فراتر نرفته و ما شاهد هیچ‌گونه تلاش واقعی از سوی مقام‌های کاخ سفید در این رابطه نبوده‌ایم.»

اشاره‌ای ظریف به رابطه «دبه» و «اما»!

وزیر خارجه در ادامه به عنوان نمونه به موضوع مبادلات تجاری ایران با کشورهای جهان اشاره کرد و افزود که آمریکا از طرفی با صدور بخشنامه‌هایی به موسسه‌های مالی این کشور می‌گوید که هیچ منعی برای مبادلات تجاری با ایران وجود ندارد و آنها می‌توانند با ایران وارد داد و ستدهای مالی و تجاری شوند اما در انتهای آن یک اما اضافه می‌کند که تعداد موارد این «اما»ها چنان زیاد است که شرکت‌های آمریکایی را به وحشت می‌اندازد و مانع مشارکت آن‌ها در این دادوستدها می‌شود.

این «اما»هایی که امروز ظریف از آن سخن می‌گوید همان نکته‌هایی بود که منتقدان با عنوان «دبه»آمریکایی از آن سخن می‌گفتند و به دولت پیرامون آن هشدار می‌دادند اما در مقابل با عنوان «دلواپس» توسط دولتمردان و رسانه‌های حامی آنها نواخته می‌شدند.

این موضوع همان است که بارها در کیهان به آن پرداخته شد. اینکه آمریکا در ظاهر چیزی می‌گوید و در نهان خلاف آن عمل می‌کند و دولتمردان جمهوری اسلامی ایران نباید فریب این «مشت چندنی در دست‌کش مخملی» را بخورند. این موضوعی بود که حتی برخی رسانه‌های غربی نیز به آن اذعان کردند.

نگاه حزبی به برجام از کدام سمت؟

واشنگتن پست در گزارشی درباره سخنرانی رئیس‌جمهور ایران در سازمان ملل نوشته است: «مقداری از تغییر لحن روحانی را می‌توان به علت انتخابات ریاست جمهوری پیش روی ایران و دغدغه او برای انتخاب مجدد دانست.»

یک سال پیش محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه دولت یازدهم در شورای روابط خارجی آمریکا به «هاله اسفندیاری»، گفته بود در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای، مردم همانند سال ۲۰۰۵ در پای صندوق‌های رای به دولت پاسخ خواهند داد. این در حالی بود که منتقدان برجام همواره به خاطر انتقاد از بدعهدی‌های طرف مقابل به موضع‌گیری حزبی در مورد برجام متهم شده بودند.

او سپس از اروپا و آمریکا خواسته بود نسبت به پیامی که رفتارشان به ایران ارسال می‌کند دقت داشته باشند. طرح دغدغه‌های حزبی در قالب مذاکرات هسته‌ای، اولین انتقاد و در واقع مهم‌ترین انتقادی بود که در ایران نسبت به این رفتار دور از انتظار ظریف مطرح شد.

هاله اسفندیاری، مدیر بخش خاورمیانه موسسه «وودرو ویلسون» که میز ایران این موسسه توسط «جورج سوروس» (شیطان فتنه‌آفرین) حمایت می‌شود از ظریف پرسیده بود: «آیا شکست در مذاکرات هسته‌ای بر سیاست داخلی ایران تاثیرگذار خواهد بود؟ اگر بله، چگونه؟ البته می‌دانم که این حوزه مربوط به شما نیست.»

وزیر خارجه دولت یازدهم نیز در پاسخ گفته بود: «بی‌تردید همین‌طور است، زیرا ما روندی را شروع کردیم که هدف آن تغییر فضای سیاست خارجی کشور است. اگر با وجود تلاش‌های ما برای تعامل، این تلاش‌ها بی‌نتیجه بماند؛ مردم ایران این فرصت را خواهند داشت تا ۱۶ ماه دیگر که انتخابات پارلمانی در ایران برگزار می‌شود، به این عملکرد ما (با آرای خود) پاسخ دهند... باید دید تعامل از جانب ایران و تلاش ایران برای نگاه به آینده داشتن، با پاسخ مثبت مواجه می‌شود یا اینکه بار دیگر رد می‌شود. من فکر می‌کنم مردم ایران پاسخ خود را در صندوق‌های رأی نشان خواهند داد.»

کدام ارزش آقای معاون؟

محمد شریعتمداری، معاون اجرایی رئیس‌جمهور دیروز در سومین کنفرانس صنعت پخش و تاثیر آن در افزایش سطح سلامت جامعه، گفت: «هرچند بدعهدی‌های کشورهای سلطه‌طلب، روند توافق برجام را با محدودیت‌هایی مواجه کرده اما این بدعهدی‌ها از ارزش توافق به عمل آمده کم نمی‌کند!»

اینکه آقای معاون چه ارزشی را در برجام دیده است که حتی بدعهدی‌های طرف مقابل از ارزش آن کم نمی‌کند بر ما معلوم نیست! اگر ارزش مذاکرات در عمل طرفین مذاکره به تعهداتشان نیست، پس چه چیزی می‌تواند ارزش باشد؟ تعهد ما و بدعهدی طرف مقابل؟ اما اینکه ایشان نیز در کنار دیگر دولتمردان به بدعهدی‌های طرف مقابل اذعان می‌کند جالب توجه است.

معاون اجرایی رئیس‌جمهور در ادامه «این توافق را نشان از عقب‌نشینی آشکار نظام سلطه» دانسته است! اما ایشان مشخص نکرده این عقب‌نشینی در کجا صورت گرفته است! در حالی که ایران به تمام تعهداتش عمل کرده و به اقرار دولتمردان طرف مقابل مرتکب بدعهدی شده است نگاه تبعیض‌آمیز غرب به ایران به گونه‌ای است که کمترین حقوق هسته‌ای ایران توسط نظام سلطه نادیده گرفته شده است.

شهریور ماه جاری علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی در لندن گفته بود: «این پذیرفته نیست که یک طرف به طور کامل به تعهداتش عمل کند اما طرف دیگر برای اجرای کامل آن، دائم بهانه‌تراشی کند.»

بقیه در صفحه ۱۰

گفت و شنود

جگر!

گفت: چند هفته قبل، آقای صالحی بعد از ۳ سال به حرف منتقدان رسیده و گفته بود «غربی‌ها برای فرار از تعهداتشان در برجام، هر روز یک بهانه می‌آورند.»

گفتم: خب! حرف حق زده بود.

گفت: حالا آقای ظریف هم به حرف منتقدان رسیده و گفته است؛ آمریکا برای انجام تعهداتش هیچ تلاشی نکرده است.

گفتم: ایشان هم حرف حق زده است.

گفت: ولی هنوز برخی دیگر از برجام با آب‌و تاب حمایت می‌کنند! مگر همین برجام که مسئولان ارشد تیم مذاکره‌کننده آن را بی‌فایده معرفی می‌کنند، همان برجامی نیست که بعضی‌ها با آب و تاب از آن تعریف و تمجید می‌کنند؟!

گفتم: یارو رفت قصابی گفت؛ آقا جگر گوسفند داری؟ قصاب پرسید جگر سفید یا سیاه؟ و یارو پرسید؛ رنگ دیگه ندارید؟... می‌گویند قصاب مغازه را بسته و سر به کوه و بیابان گذاشته!

در حاشیه نشست مجمع عمومی صورت گرفت

دیدار ظریف با همتایان انگلیسی عمانی و مصری در نیویورک

وزیر امور خارجه کشورمان در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک در دیدار با وزرای خارجه انگلستان، کرواسی، مجارستان، اردن، مصر و عمان ابعاد مختلف مناسبات دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را بررسی کرد.

به گزارش فارس محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان که برای شرکت در هفتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک به سر می‌برد ، در حاشیه این نشست با برخی از همتایان خود از کشورهای مختلف دیدار و ابعاد مختلف مناسبات دوجانبه و تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی را بررسی و مورد بحث و تبادل نظر قرار داد.

ظریف در این راستا با بوریس جانسون وزیر خارجه انگلیس دیدار و گفت‌وگو کرد.

وزیر خارجه کشورمان همچنین با وزرای خارجه کرواسی، مجارستان و اردن هم به صورت جداگانه دیدار و گفت‌وگو کرد.

دیدار با دبیرکل صلیب سرخ جهانی از دیگر برنامه‌های ظریف بود که طی آن دو طرف بر لزوم کمک‌رسانی فوری به مردم جنگ زده در یمن و سوریه تأکید کردند.

رئیس‌دستگاه دیپلماسی کشورمان ضمن شرکت در اجلاس وزرای خارجه سازمان همکاری اکو که به ریاست وی برگزار شد، در شورای روابط خارجی آمریکا نیز شرکت و به ایراد سخنرانی پرداخت.

رایزنی با وزیر خارجه مصر پیرامون تحولات منطقه

رایزنی با سامح شکری وزیر خارجه مصر و یوسف بن علوی وزیر خارجه عمان نیز از دیگر دیدارهای ظریف در حاشیه نشست مجمع عمومی در نیویورک بود.

وزارت خارجه مصر اعلام کرد که وزیران خارجه دو کشور در این دیدار به بررسی چندین پرونده منطقه‌ای و بحران‌های موجود در خاورمیانه از جمله اوضاع سوریه در چارچوب عضویت هر دو کشور در گروه دوستان سوریه پرداختند و هر دو طرف بر توقف فوری درگیری‌ها در سوریه و پایبندی طرفین درگیر به توافق آتش‌بس تأکید کردند.

خبر ویژه

عایدی «تقریبا هیچ» سفر نیویورک به روایت نشریات حامی دولت

روزنامه‌های حامی دولت و اصلاح‌طلب رویکرد متفاوتی را نسبت به سفر و سخنرانی مصاحبه رئیس‌جمهور در نیویورک اتخاذ کردند. برخی از این نشریات با رویکردی اغراق‌آمیز تیتر زدند و برخی دیگر با سنجش میزان اهمیت، ترجیح دادند در تیترهای حاشیه‌ای خود به این موضوع بپردازند.

روزنامه اجاره‌ای آرمان در تیتر اول اغراق‌آمیز خود نوشت: «نوای امید در نیویورک - روحانی: آمریکا قول داد روند را اصلاح کند.»

- روزنامه آفتاب یزد نیز در تیتر یک خود نوشت «پایان سفر کوتاه اما پرسفر رئیس‌جمهور به آمریکا - هشدار روحانی؛ قول آمریکا».

- همچنین روزنامه دولتی شهروند تیتر زد «تذکر به آمریکا.»

تیتر اول روزنامه ایران هم که فاقد مابه‌ازا می‌باشد چنین است «رئیس‌جمهور تشریح کرد: دستاوردهای ایران از نشست نیویورک.»

اما روزنامه‌های اعتماد و شرق ترجیح دادند تیترهای اصلی خود را به این موضوع اختصاص ندهند چنان که اعتماد در یکی از تیترهای کوچک و حاشیه می‌نویسد «روحانی در خاک آمریکا به واشنگتن هشدار داد» و شرق در اقدامی مشابه و در یک تیتر کاملا کوچک و حاشیه‌ای نوشت «آمریکا قول داد روند را اصلاح کند.» با این اوصاف اگر از هیجان‌زدگی و غلو روزنامه‌های آرمان و آفتاب یزد و تیتر فاقد مابه ازای روزنامه ایران که بگذریم، دیگر نشریات حامی دولت با زبان بی‌زبانی اذعان کرده‌اند که سفر مذکور هیچ دستاوردی نداشته جز اینکه روحانی از آمریکا «گله» کرده؛ بی‌آن‌که معلوم شود این گله ۸ ماه پس از بدعهدی مکرر آمریکا در عالم واقع چه تاثیری در لغو تحریم‌ها خواهد داشت.

آقای ظریف! هم گلایه می‌کنید و هم به آمریکا برای تحریم‌ها حق می‌دهید؟!

آخرین سخنان وزیر امور خارجه در شورای روابط خارجی آمریکا اذعان به عدم توازن و ناشی‌گری در تنظیم توافق برجام است.

ظریف هر چند در نشست این شورا با لحنی انتقادی گفت «۸ماه پس از اجرای برجام، به خاطر مجازات‌های آمریکا، هیچ یک از بانک‌های بزرگ اروپایی کار با ایران را شروع نکرده است» اما در عین حال اذعان کرد که برخلاف ضمانت اجرا داشتن تعهدات ایران، تعهدات آمریکا فاقد ضمانت اجراست. صاحب‌نظران بسیاری سال گذشته نسبت به عدم توازن و عدم همزمانی و عدم بازگشت‌پذیری تعهدات ایران در برجام هشدار داده بودند که به خاطر هیجان‌زدگی و شتاب‌زدگی دولت و وزارت خارجه ناشنیده ماند. ظریف گفت: آنچه که از ایران به عنوان یک طرف این توافقنامه انتظار می‌رود «پایبندی» به تعهدات هسته‌ای خود در چهارچوب این توافقنامه و «راستی‌آزمایی» این پایبندی از سوی آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای است که این راستی‌آزمایی‌ها صورت گرفته و آژانس به طور مکرر بر پایبندی ایران صحه گذاشته است. اما در مورد آمریکا به عنوان یکی از طرف‌های دیگر برجام این تلاش تاکنون تقریبا از امضای پای اسناد این توافقنامه از سوی رئیس‌جمهوری و وزیر امور خارجه این کشور فراتر نرفته و ما شاهد هیچگونه تلاش واقعی از سوی مقام‌های کاخ‌سفید در این رابطه نبوده‌ایم.

وی در ادامه به عنوان نمونه به موضوع مبادلات تجاری ایران با کشورهای جهان اشاره کرد و افزود که آمریکا از طرفی با صدور بخشنامه‌هایی به موسسه‌های مالی این کشور می‌گوید که هیچ منعی برای مبادلات تجاری با ایران وجود ندارد و آنها می‌توانند با ایران وارد داد و ستدهای مالی و تجاری شوند اما در انتهای آن یک اما اضافه می‌کند که تعداد موارد این «اما»ها چنان زیاد است که شرکت‌های آمریکایی را به وحشت می‌اندازد و مانع مشارکت آنها در این داد و ستدها می‌شود.

سخنان ظریف بدین معناست که تعهدات آمریکا برخلاف تعهدات ایران فاقد ضمانت اجرایی و حقوقی است!! و سخت‌گیری لازم در متن توافق یا مطالبه اجرای آن انجام نگرفته است. درست به همین دلیل سخنرانی و مصاحبه آقای روحانی و تأکید بر گلایه از آمریکا یا بیان اینکه کمیسیون مشترک به آمریکا تذکر داد و آمریکا هم قول داد که روند را اصلاح کند، فاقد اعتبار حقوقی و اجرایی است.

جالب اینکه در بخش دیگری از برنامه ظریف در شورای روابط خارجی آمریکا، فرید زکریا از ظریف می‌پرسد: بر اساس آنچه من شنیده‌ام و افرادی که با آنها صحبت کرده‌ام این توافق در ایران چندان محبوب نیست و روحانی و خود شما هم به اندازه زمان بعد از توافق محبوب نیستید، چون این احساس وجود داشت که این توافق قرار است اوضاع را تغییر بدهد و در زندگی مردم، بهبود ایجاد کند. آیا مشکلی که در اینجا هست، این است که- آن طور که بعضی از منتقدان می‌گویند- شما به مردم وعده سرخرمن دادید و آنها اتفاق نیفتند یا اینکه شما فکر می‌کنید این موانعی که آمریکا باقی گذاشته باعث می‌شود که برخورداری اقتصاد ایران از مزایای تخفیف تحریم‌ها دشوار باشد؟»

ظریف در پاسخ ادعا کرد «هنوز هم اکثریت مردم ایران از این توافق حمایت می‌کنند و این موضوع، در نظرسنجی‌های مختلف به اثبات رسیده است. همزمان بخش زیادتری از مردم ایران اکنون به آمریکا بی‌اعتمادترند. ظریف گفت مردم ایران، مشکل را در عدم پایبندی آمریکا به تعهداتش می‌بینند نه در اینکه دولت کشورشان به آنها «وعده سر خرمن» داده است.

وی گفت: «ما به آنها (مردم ایران) گفتیم که این (توافق هسته‌ای) موانع تجارت ایران با بقیه کشورهای دنیا را برمی‌دارد. ما هرگز به آنها نگفتیم که برجام، تحریم‌های اولیه‌ای که آمریکا علیه معامله آمریکایی‌ها با ما دارد را برمی‌دارد.»

آقای ظریف توضیح نمی‌دهد که چگونه مردم ایران می‌توانند به آمریکا بی‌اعتماد شده باشند اما به برجام که طرف اصلی اجرا یا عدم اجرای آن آمریکاست و اجرا نمی‌کند، امیدوار باشند؟!

همچنین آخرین پاراگراف اظهارات آقای ظریف که برای رفع مسئولیت انتظار آفرین از سوی دولت و وزارت خارجه است، در واقع برخلاف ژست توپ و تشر، عملا به آمریکا این حق را می‌دهد(!) که تحریم‌ها را در پوشش تحریم‌های اولیه ادامه دهد! با این وصف دیگر چه جای گلایه از آمریکاست که چرا تحریم‌ها را برنمی‌دارد یا طبق تحریم‌های اولیه به شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی فشار می‌آورد؟! و این در حالی است که رئیس‌جمهور صراحتا اعلام کرد در روز اجرای توافق همه تحریم‌ها بالمره و یکجا لغو خواهند شد»!

نتانیاهو: شاید باورتون نشه اسرائیل آینده روشنی دارد(!)

نخست وزیر رژیم صهیونیستی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفت چیزی که من می‌خواهم به شما بگویم، شما را شوکه خواهد کرد. اسرائیل آینده‌ای روشن در سازمان ملل متحد دارد(!)

نتانیاهو افزود: می‌دانم اینکه چنین چیزی را از من بشنوید به طور قطع باعث تعجب شما خواهد شد.

به گزارش خبرگزاری صدا و سیما نتانیاهو از تصویب ۲۰ قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل ضد اسرائیل انتقاد کرد و افزود: این در حالی است که سهم همه کشورهای روی این سیاره، فقط سه قطعنامه بوده است.

نخست وزیر رژیم صهیونیستی گفت: درباره جوک موسوم به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، باید بگویم که هر سال اسرائیل را بیش از کل کشورهای جهان محکوم می‌کند و این نمایش در یونسکو هم ادامه دارد.

سرنوشت یارانه خرید تضمینی در چرخه واردات و صادرات همزمان گندم!

در حالی که وزارت صنعت و تجارت گندم وارد می‌کند، وزارت جهاد کشاورزی، ژست خودکفایی و صادرات گندم را گرفته است!

در این زمینه روزنامه جوان نوشت: ژست عجیب خودکفایی و صادرات گندم مازاد سوال‌برانگیز شده به نحوی که بنا به اظهارنظر مسئولان چنین می‌توان نوشت: واردات با وزارت صنعت و صادرات با جهاد کشاورزی! با معادله‌ای که در آن تنها مفسده و سوءاستفاده از «یارانه خرید تضمینی» در آن معنا می‌یابد!

با افزایش تولید گندم در سال جاری، در حالی وزارت جهاد کشاورزی ژست خودکفایی و صادرات گندم مازاد بر نیاز را گرفته که از یک سو این وزارتخانه تحت فشار مافیای واردات و کارگروه تنظیم بازار است و از سوی دیگر به دلیل محدودیت‌های منابع آبی صادرات این محصول استراتژیک اقتصادی نمی‌باشد و هیچ تضمینی بر ثبات خودکفایی در سال‌های آینده وجود ندارد.

بازرگانی دولتی و وزیر جهاد کشاورزی در چند روز اخیر مدام از صادرات گندم مازاد به کشورهای همسایه خبر می‌دهند و رشد تولید گندم در سال ۹۵ را آغاز صادرات این محصول استراتژیک و آب‌بر عنوان می‌کنند.

به گفته یک منبع آگاه دپوی گندم‌های وارداتی در گمرکات جنوب از یک سو و فشار مافیای واردات بر این وزارتخانه و ستاد تنظیم بازار از سوی دیگر این شائبه را به وجود آورده که دولتی‌ها با ژست خودکفایی و طرح صادرات گندم مازاد به دنبال راه جدیدی برای صادرات مجدد گندم‌های وارداتی و سود بیشتر از این راه هستند.

مجری طرح گندم با طرح این سوال که واقعا انگیزه واردکنندگان چیست و چرا باید ایرانی‌ها جیب کشاورزان خارجی را پر کنند، می‌افزاید: دلیل واردات را از کسانی بپرسید که مجوز واردات گندم را صادر می‌کنند، زیرا تولید گندم در سال زراعی ۹۵-۹۴ به اندازه‌ای است که هم نیاز خبازی‌ها و هم صنوف صنعتی تامین خواهد شد.

علیرغم ابلاغیه رسمی وزیر جهاد کشاورزی و اعلام صریح حجتی و همچنین جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهور که گفته‌اند امسال تولید گندم بی‌سابقه است و هیچ نیازی به واردات گندم در سال ۹۵ نیست، اخیرا کارگروه تنظیم بازار با واردات گندم‌های دپو شده در گمرکات موافقت کرده است که به نظر می‌رسد فشارهای بی‌اندازه قدرت‌های وارداتی و نفوذ در تصمیم‌سازی منجر به این مصوبه شده است.

بنابراین گزارش در شرایطی که تولید زیاد گندم، باعث نگرانی معاون اول رئیس‌جمهور بابت نگهداری و ترس از بین رفتن محصولات تولیدی شده است، چه کسانی و با چه قدرتی برخلاف تصمیمات و نظر قانونی وزیر جهاد کشاورزی و معاون اول رئیس‌جمهور می‌توانند در کارگروه تنظیم بازار نفوذ کرده و مصوباتی به نفع و برای منافع شخصی خود برای واردات «کلیه گندم‌های ثبت سفارش شده در زمان ممنوعیت واردات» دریافت کنند.

تیم ظریف باید درباره لغو نش